

# شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

## مجله شبان

شماره ۲۲، سال چهارم، اوت (آگست) ۲۰۰۳  
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،  
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

## دستیابی به احساس اهمیت واقعی

### بخش پنجم و آخر

### از کشیش تَت استیو آرت

احساسات ما اعمالمان را بوجود می‌آورد. از اینرو است که پولس می‌فرماید: «خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می‌افزاید به زیر می‌افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم» (دوم قرنتیان ۱۰:۵). حقیقت خدا باید نخست در ذهن ما جای بگیرد تا بعد بتوانیم ثمره قدرت دگرگون‌سازنده مسیح را تجربه نماییم.

بنابراین، اشتیاق واقعی فرزند خدا باید این باشد که در درون خود تشنه حقیقت باشد. داود فریاد می‌زد که «ای خدا، مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس» (مزمو ۱۳۹:۲۳). سلیمان می‌نویسد: «دل خود را به حفظ تمام نگاه دار زیرا که مخرج‌های حیات از آن است» (امثال ۲۳:۴). به همین دلیل است که باید دنیای افکار درونی خود را زیر نور حقیقت الهی بیاورید و از روح القدس بخواهید که شما را تفتیش کند. «لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد» (یوحنا ۱۶:۱۳). (ص ۱۲)

احساس اهمیت و ارزش راستین، در کلام خدا یافت می‌شود.

### نگرش کتاب مقدس در مورد فکر ما

پیش از آنکه بتوانیم عملاً درک کنیم که چگونه باید آزادی‌ای را که در مسیح از آن ماست به دست آوریم، لازم است بار دیگر از نظر بگذرانیم که نگرش کتاب مقدس در خصوص دنیای درون ما چگونه است. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که فکر و ذهن ما میدان اصلی برای مبارزه حقیقت الهی با دروغهای شیطان است. پولس می‌نویسد: «همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست» (رومیان ۱۲:۲). به منظور آنکه در انسان تغییر و تحول صورت گیرد، نخست فکر و ذهن او باید نو شود. بدینسان که اعتقادات ما افکار ما را شکل می‌بخشد و افکار ما احساسات ما را پدید می‌آورد و

در عمق وجود هر انسانی اشتیاقی ژرف نهفته است به اینکه دیگران دوستش بدارند و برایش اهمیت قائل شوند. در چهار شماره پیشین مجله، به بررسی راههایی پرداختیم که از طریق آنها می‌توانیم احساس اهمیت کنیم. این اشتیاق از آنجا که در همه انسانها وجود دارد، شیطان از آن به بهترین وجه استفاده می‌کند تا بشر را با معیارهایی دروغین فریب دهد، معیارهایی دروغین برای اینکه مورد محبت و احترام دیگران واقع شویم. قبلاً به تفصیل شرح دادیم که شیطان چگونه می‌کوشد ما را به این باور برساند که ارزشمان به کاری است که می‌کنیم یا به تأییدی است که از دیگران دریافت می‌داریم. دیدیم که زندگی کردن در اسارت این دروغها چقدر عبث و باطل است. آنانی که این دروغها را باور می‌دارند، در نفرت از خویشتن یا تحت تحریکات فریبکارانه دیگران زندگی می‌کنند. در بخش آخر این مقالات، مایلم تکرار کنم که کلید درک هویت واقعی مان و دستیابی به

(ص ۱ ❀)

**«راه احساسات»**

اما دو راه دیگر نیز برای کشف دنیای درون خویشتن وجود دارد. یکی از این راهها «احساسات» ما است. همانگونه که تب نشانه مبارزه بدن انسان با عفونت است، احساسات دردآلود و منفی حاکی از این است که فکر و ذهنمان را اطلاعات نادرست تصرف کرده و در حال باختن نبرد برای راستی می‌باشیم. همانگونه که بسیاری برای رهایی از تب به قرص‌های مسکن متوسل می‌شوند، بسیاری نیز برای پنهان ساختن احساسات منفی خود، به مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا نوعی فعالیت متوسل می‌شوند. به جای تلاش برای پوشاندن علائم، سالم‌تر خواهد بود که کشف کنیم کدام اعتقادات درونی ما این احساسات منفی را پدید آورده است. ریشه اکثر احساسات منفی را می‌توان در خشم، ترس، یا اندوه یافت؛ اما کلام خدا در خصوص هر یک از این احساسات، پاسخهای مشخص و آشکاری می‌دهد. در نقطه مقابل این، حقیقت باعث پدیدآیی شادی و آرامش و اطمینان می‌گردد.

**«راه اعمال ما»**

راه دوم برای کشف این نکته که آیا شخص مطابق با حقیقت زندگی می‌کند یا نه، «اعمال» ماست. اعتقادات باعث پیدایی افکار ما می‌شود و افکار ما نیز احساسات ما را پدید می‌آورد و احساسات نیز اعمالمان را. وقتی لوله خمیردندان را فشار می‌دهید، چه چیزی بیرون می‌آید؟ طبعاً خمیردندان! آیا مهم است که چه کسی لوله را فشار می‌دهد یا اینکه چه

مقدار فشار وارد می‌آید؟ نه! آنچه اهمیت دارد، آن چیزی است که در داخل لوله وجود دارد؛ برای شخص مسیحی نیز همین امر صادق است. هنگامی که مشکلات زندگی شخص مسیحی را «فشار می‌دهند» و او را جریحه‌دار می‌سازند، هر چه در قلب اوست بیرون می‌آید. اگر آنچه بیرون می‌آید منفی باشد، این علامت خطر است که نشان می‌دهد که حقیقت هنوز تمام زندگی او را تصرف نکرده است.

به همین دلیل است که اغلب می‌گویند: «آنچه اهمیت دارد این نیست که شما چقدر روح‌القدس را دارید؛ مهم این است که روح‌القدس چه مقدار از وجود شما را در اختیار دارد.» وقتی احساساتتان تحریک می‌شوند و به شما می‌گویند که مورد اهانت و بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اید، باید ببینید که واقعاً به چه چیز اعتقاد دارید. وقتی اعمالتان شرم‌آور و باعث ننگ مسیح است، باید ریشه اعمالتان را خوب مورد بررسی قرار دهید. آنگاه باید به مسیح اعتراف کنید که توسط «پدر دروغها» فریب خورده‌اید و دروغ را باور کرده‌اید و آن دروغ شما را بسوی افکار و احساسات و اعمال مخرب هدایت کرده است.

در جوانی، واعظ کلیسایی بودم که در آن مرد مسنی بود که همیشه اشکالات مرا به رخ می‌کشید. افکار منفی نسبت به او شروع به شکل گرفتن در من کرد و همیشه در این فکر بودم که احساسی را که نسبت به او داشتم، به او بگویم. این افکار باعث شد که نسبت به او خشمگین شوم و در باره او به دیگران چیزهای نامهربان بگویم. گمان می‌کردم که مشکل من او است؛ اما سالها طول کشید تا پی بردم که

رفتار او فقط ضعفی را در باورهای من بود برملا می‌کرد. باور من این بود که برای اینکه احساس ارزش بکنم، نیاز دارم که مردم مرا دوست داشته باشند. آنچه بعدها سبب آزادی من گردید، این حقیقت بود که خدا مرا کاملاً پذیرفته است (کولسیان ۱:۲۲).

**همکاری با روح‌القدس**

برای اینکه افکاری سالم‌تر داشته باشیم، باید با روح‌القدس همکاری کنیم و بگذاریم که او به ما نشان دهد که در چه جاهایی دروغ را باور کرده‌ایم؛ آنگاه باید آن دروغها را با حقایق الهی جایگزین سازیم. این افکار سالم موجب پیدایی احساسات آرامتری می‌شود و این احساسات رفتار الهی را بوجود می‌آورد. هنگامی که به ارزش واقعی خود پی بردید، می‌توانید این عبارات را با اطمینان ابراز نمایید:

- خدا مرا عمیقاً دوست می‌دارد (یوحنا ۹:۴-۱۰)؛
- خدا مرا کاملاً بخشیده و از من خشنود است (رومیان ۵:۱)؛
- خدا در مسیح مرا کاملاً پذیرفته است (کولسیان ۱:۲۲)؛
- و من در مسیح خلقت جدیدی هستم و

در او کامل می‌باشم (رومیان ۸:۲۹-۳۰).

وقتی که شخص ارزش و اهمیت واقعی خود را در مسیح باز یافت، می‌تواند با رسول بزرگ، پولس، همصدا شده، بگوید: «عار ندارم چون می‌دانم به که ایمان آوردم و مرا یقین است که او قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند» (دوم تیموتاؤس ۱:۱۲).

# سرسخن

دوستان گرامی در مسیح،

امیدوارم که تابستان این فرصت را به شما داده باشد تا از روند عادی کارتان کمی فاصله بگیرید و وقتی را با خانواده بگذرانید یا در کنفرانسی شرکت جوید یا کتاب مفیدی بخوانید، چرا که فرو نشاندن عطش روحانی دیگران بسیار دشوار خواهد بود اگر خودمان تشنه لب باشیم.

با آغاز فصل جدید خدمتتان در پاییز، دعا می‌کنم که با حکمت خدا زندگی و خدمت کنید. در ۱ قرنیتان ۱۸:۱ تا ۵:۲، می‌بینیم که چگونه پولس با حکمتی که از آسمان می‌آمد، خدمت می‌کرد. در نظر پولس، حکمت به معنی تشخیص مکاشفه کتاب مقدس و نحوه به کار بردن آن بود. به بیانی دیگر، حکمت مانند این است که نقشه خدا را در دست داشته باشیم و بدانیم چگونه از آن پیروی کنیم.

برخورداری از حکمت الهی یعنی دانستن این که پیامتان برای غیرمسیحیان احمقانه به نظر می‌آید و اینکه ایشان قادر به اطاعت از تعالیم مسیح نیستند (۱۸:۱)؛ یعنی داشتن اعتماد عمیق به آنچه تعلیم می‌دهید و آگاهی از این که کلام خدا تا به ابد پایدار است و ادامه دادن به مبارزه با خرافات بشری (۱۹:۱-۲۰)؛ یعنی درک این نکته که فقط به واسطه موعظه کلام است که در خدمتمان قدرت جاری می‌شود، نه به واسطه تکیه به استعدادها یا برنامه‌های انسانی‌مان (۲۲:۱-۲۵)؛ یعنی اینکه در هر آنچه می‌کنیم، هدف غایی‌مان دادن جلال به خداوندمان عیسی مسیح است که یگانه عدالت و قدوسیت ماست. برای اطمینان از اینکه در خدمتمان خدا را جلال می‌دهیم، پولس سه راه پیش می‌نهد:

۱- مسیح را برتر از هر چیز قرار دهیم: «زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب» (۱ قرن ۲:۲).

۲- فقط به مسیح تکیه کنیم: «من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما شدم» (۱ قرن ۳:۲).

۳- قدرت مسیح را نشان دهید: به واسطه مسح روح القدس که از طریق زندگی خداپسندانه جاری می‌شود (۱ قرن ۴:۲-۵).

یادآوری می‌کنم که بر روی این سایتهای اینترنت می‌توانید مطالب مفیدی بیابید: [www.kalamekhoda.com](http://www.kalamekhoda.com)؛ [www.lifeagape.com](http://www.lifeagape.com)؛ [www.farsinet.com](http://www.farsinet.com) و [www.radioneda.com](http://www.radioneda.com). در [farsinet](http://farsinet.com) می‌توانید برخی از مطالب «مؤسسه تعلیم» را بیابید.

برای همکاری که با مقالات خود به ما کمک می‌کنند و دانش و تجربه خود را با ما در میان می‌گذارند، خدا را شکر می‌کنم. دعای ما این است که این مجله خدمت شما را تقویت نماید و شما را در رشد در خدا ترسی ترغیب کند.

**تت استیوارت**

سردبیر

## مطالب این شماره:

- دستیابی به احساس اهمیت واقعی (بخش ۵ و آخر) (تت استیوارت) ... ص ۱
- ازدواج مسیحی: ترک کردن و پیوستن (بخش ۱۲) (تت استیوارت) ... ص ۳
- بیماری «اسارت در حرف مردم» (بخش ۱۰) (نینوس مقدس‌نیا) ... ص ۵
- شناخت شخصیت مسیح: یک شخص با دو طبیعت (آرمان رشدی) ... ص ۷
- میراث کلیسایی ما (بخش ۲: کلیسای کاتولیک) (نینوس مقدس‌نیا) ... ص ۹
- طرح کلی برای تهیه موعظه (تت استیوارت) ... ص ۱۱

## مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.  
P.O. BOX 471736  
Aurora, Colorado 80047-1736  
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11  
Fax: +1-303-873 62 16  
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

# وظایف شبان

## ازدواج مسیحی: ترک کردن و پیوستن

نوشته کشیش تت استیو آرت

خود را از یاد برده‌ام. بر آوردن توقعات والدین و همسر در آن واحد بسیار تنش‌زا است؛ به همین جهت، حکمت خدا مقرر داشته تا مرد و زن از والدین خود جدا شوند حتی وقتی این کار به بهای زندگی کردن در محلی نامطلوب‌تر باشد؛ خدا می‌خواهد بیاموزیم که شراکت در زندگی زناشویی چه معنایی می‌دهد.

اصلی که در آن عرضه شده، واقعاً بسیار روشن است. وقتی دو نفر ازدواج می‌کنند، پیش از آنکه بتوانند خانواده جدید و سالمی را بوجود آورند، باید خانواده‌های خود را ترک گویند. اندیشه ترک کردن در اینجا بسیار فراگیر است و چهار حوزه زندگی را در بر می‌گیرد.

«از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده، بازوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود» (افسیان ۵: ۳۱).

خدا برای ازدواج الگویی خاص مقرر فرموده، و آن زوج‌هایی که می‌کوشند این الگو را درک کنند، در رابطه با یکدیگر برکات غنی‌ای را تجربه خواهند کرد. یکی از علل ناراحتی‌ها و مشکلات زناشویی، روابط ناسالمی است که میان زن یا شوهر و خانواده‌هایشان وجود دارد. در یک ازدواج جدید، بسیاری از نیروهای محرک تغییر می‌یابد، تغییراتی که ممکن است منجر شود یا به شادی و آرامش یا به رنج و جدایی. از آنجا که این مشکل حالتی فراگیر دارد، خدا به روشنی به آن می‌پردازد. نکته‌ای که در آیه فوق آمده، از همان آیه‌ای گرفته شده که در پیدایش ۲: ۲۴ و نیز مرقس ۱۰: ۷ یافت می‌شود. اگر خدا چیزی را سه بار در موقعیت‌های مختلف بیان می‌دارد، قطعاً باید نکته مهمی باشد. به علاوه، این آیه یگانه دستورالعملی است که خداوند عیسی در مورد ازدواج ارائه می‌دهد. در نتیجه، بسیار به جاست که آن را مورد بررسی قرار دهیم تا تعلیم و کاربردش را درک کنیم.

## جدایی فیزیکی

خدا اعلام می‌دارد که برای دستیابی به بهترین نتیجه در ازدواج، ضروری است که شخص بطور فیزیکی والدین خود را ترک گوید. خوب نیست که طرفین ازدواج در همان خانه با ایشان زندگی کنند؛ بهتر است که زوج جدید به خانه جدید خود نقل مکان کنند. دلیلش این است که بسیار دشوار است که شخص نقش زن یا شوهر را بر عهده گیرد در حالیکه هنوز در نقش قدیمی دختر یا پسر گرفتار است. من این را در اوائل ازدواجم کشف کردم؛ حدود یک سال پس از ازدواجمان، من و همسرم برگشتیم تا برای مدت کوتاهی نزد والدینم زندگی کنیم. ابتدا متوجه نبودم چقدر رفتارم با همسرم تغییر کرده، اما بعد از مدتی پی بردم که چقدر به مقام پسر خانواده برگشته‌ام و وظیفه شوهری

## جدایی احساسی

مهم‌تر از آن، ضروری است که شخص بیاموزد که والدین خود را از نظر احساسی ترک گوید. برای ایجاد ازدواجی جدید و سالم، زن و شوهر باید به مرحله‌ای برسند که بیاموزند از نظر احساسی به یکدیگر اعتماد کنند و به یکدیگر وابسته شوند. در دوران رشد، می‌آموزیم که به والدین خود وابسته باشیم؛ اما برخی از والدین می‌خواهند این وابستگی را حتی پس از ازدواج فرزندانشان نیز حفظ کنند. این وابستگی می‌تواند ازدواج را از هم بپاشد. متأسفانه از آنجا که بسیاری از مادرها هیچگاه امنیت احساسی را از جانب شوهران خود تجربه نکرده‌اند، در نتیجه به فرزندان خود چسبیده‌اند و مایل نیستند بگذارند که ایشان بروند. (☺)

♣) این قبیل مادران ممکن است از حس خطا یا سایر وسایل تحریک استفاده کنند تا فرزند بالغ خود را به خود وابسته نگاه دارند. در شرایطی منفی‌تر، اگر فرزندان از سوی والدین خود رنج بسیار برده باشند، ممکن است خانه را با نفرت و تلخی ترک کنند. در هر دو مورد، ایشان باید این ارتباطات احساسی نادرست را حل کنند تا ازدواج جدیدشان مجال موفقیت بیابد. مهم است که زن و شوهر والدین خود را ببخشند و از هر گونه تلخی مربوط به گذشته رها شوند تا خانواده‌ای بوجود آورند که از نظر احساسی مستقل باشد، خانواده‌ای که برای حکمفرمایی آرامش و شادی مسیح مساعد باشد.

### میل به کسب تأیید والدین

اما هنوز عامل دیگری نیز هست که می‌تواند به ازدواج صدمه بزند و باید مراقب آن بود. بسیاری از زن و شوهرها هنوز می‌خواهند هر کاری که می‌کنند، مورد تأیید والدینشان باشد تا به این ترتیب، احساس اطمینان و امنیت کنند؛ این کار اغلب به این معنا است که نظرات والدین خود را مقدم بر نظرات همسرشان قرار می‌دهند. یکی از نتایج این کار می‌تواند این باشد که شریک زندگی خود را تحت فشار قرار دهند تا رفتاری را که مورد تأیید والدینشان نیست تغییر دهد. یا اگر شخص بر خلاف میل والدینش ازدواج کرده، ممکن است تمام زندگی خود را صرف این کند که ثابت کند کارش درست بوده است. مطمئنم که می‌بینید که همه اینها چه فشار غیرضروری‌ای بر ازدواج وارد می‌آورد. پس حکم کتاب مقدس چقدر خردمندانه است: خانه پدری خود را از نظر احساسی ترک کنید

و به شریک زندگی خود بیونید و رابطه زناشویی را تبدیل کنید به رابطه مرکزی قلب خود.

**در دوران رشد، می‌آموزیم که به والدین خود وابسته باشیم؛ اما برخی از والدین می‌خواهند این وابستگی را حتی پس از ازدواج فرزندان نیز حفظ کنند**

### جدایی مالی

ترک کردن به این معنی نیز هست که زن و شوهر دیگر از نظر مالی به والدین خود وابسته نباشند. معمولاً قدرت تصمیم‌گیری در دست کسی است که هزینه‌ها را می‌پردازد. بهتر است فقیرانه اما خوشبخت زندگی کرد تا اینکه در کاخی زندگی کرد که پولش را والدین داده‌اند و طرفین ازدواج خود را از نظر مالی کاملاً در دام ببابند. والدین اگر می‌خواهند کمکی بکنند، باید بصورت وام باشد، با این تفاهم که یا وجه آن بازپرداخت خواهد شد یا هیچ قید و شرطی برای آن وجود نخواهد داشت. باید قردادان بود نسبت به والدینی که مایلند به فرزندان‌شان در آغاز زندگی شان کمک کنند، اما باید کوشید تا در اسرع وقت زندگی را از نظر مالی مستقل ساخت.

### احترام به والدین

اما می‌خواهم این نکته را نیز کاملاً روشن سازم که منظورم به هیچ وجه بی‌احترامی به والدین نیست. در ده فرمان حکم شده که والدین خود را حرمت بداریم! ما در مقام

فرزند، به آنان وابسته‌ایم و باید مطیع ایشان باشیم، اما وقتی ازدواج کردیم و خانواده خود را تشکیل دادیم، دیگر موظف به اطاعت از ایشان نیستیم، اما همیشه موظفیم که ایشان را «گرامی بداریم». ما با ملاقات ایشان، با نظرخواهی از ایشان برای امور دشوار، و با تأمین نیازهایشان، می‌توانیم ایشان را گرامی بداریم (اول تیموتائوس ۵:۸).

### یکی بودن واقعی

زن و شوهر فقط زمانی می‌توانند فرایند یکی بودن را آغاز کنند که برآستی خانه را ترک کرده باشند. راز نزدیک شدن به یکدیگر، دعا کردن با یکدیگر است. شوهران، همسر خود را در پرستش و دعا هدایت کنید. بیاموزید که عیسی را به اتفاق یکدیگر دوست بدارید، و سپس بیاموزید که چگونه یکدیگر را دوست بدارید؛ برای این کار، باید کشف کنید که چه چیزی به شریک زندگی‌تان نشان می‌دهد که دوستش دارید. از یکدیگر بپرسید: «سه چیز را نام ببر که در عرض هفته انجام می‌دهم که سبب می‌شود احساس کنی دوستت دارم!» پاسخ شریک زندگی‌تان ممکن است باعث تعجب‌تان شود، زیرا ما معمولاً عشق خود را به شریک زندگی‌مان آنطور نشان می‌دهیم که می‌خواهیم او به ما نشان دهد و به ندرت به خواسته‌ها و آرزوهای او توجه نشان می‌دهیم. اما وقتی پی بردید که چه چیز سبب می‌شود که همسران احساس کند که دوستش دارید، آنگاه آن کار را انجام دهید.

خدا می‌خواهد که رفاقت و صمیمیت را در ازدواج‌تان تجربه کنید، اما برای تحقق این امر، باید نخست پدر و مادر خود را ترک کنید و نخست به عیسی و بعد به یکدیگر بیونید.

بیماریهای شبانی: بخش دهم و آخر

# بیماری «اسارت در حرف مردم» !!!

نوشته کشیش نینوس مقدس‌نیا

سازید. حرف مردم برای شما بسیار مهم‌تر از سخن خدا می‌شود، بدین ترتیب برکت و تأیید خدا بر زندگی و خدمت شما، کمرنگ می‌شود. ● به تدریج به ریاکاری و ظاهرسازی کشانده می‌شوید و می‌کوشید تا به هر قیمت که شده، چه در گفتار و چه در کردار، خوشایند مردم باشید تا مبادا حرفی علیه‌تان بزنند. در این مورد، از مردم‌داری طبیعی هم پا را فراتر گذاشته و از سخنان و حرکاتان بوی چاپلوسی می‌آید! شبیه همان کسی شده‌اید که در امثال ۲۳:۲۸ و ۵:۲۹ ذکرش رفته است.

● به‌خاطر راضی کردن دیگران، نزدیکان خودتان را از خود می‌رنجانید. توقع دارید که همسر و فرزندان شما هم مطابق میل مردم و اعضای کلیسا باشند تا مبادا کسی بتواند ایرادی از شما بگیرد. در واقع دلتان برای خانواده‌تان نسوخته، بلکه نگران خود هستید و از ترس حرف مردم حاضرید زن و فرزند خود را هم قربانی کنید و زیر پا بگذارید!

● کم‌کم طبق میل مردم بودن، شما را به گناه و سازشکاری هم می‌کشاند. برای حفظ محبوبیت خود، به هیچ کس «نه» نمی‌گویید. برای اینکه همه را به‌نحوی راضی نگه دارید، حاضر می‌شوید هر چه می‌خواهند، اگر چه بر خلاف واقعیت و یا خط مشی کلیسا هم باشد، انجام دهید.

کلیسایش بدگویی کند. همین باعث می‌شود که کشیش و شبان، بیشتر از صاحبان هر شغل دیگری، اسیر حرف و نظر و خواسته مردم باشد. البته هستند شبانانی که خود را معذب نمی‌کنند و هر طور که راحت‌اند با اعضا برخورد می‌کنند. اینان هم موقتاً اطاعت و انقیاد اعضایشان را کسب می‌کنند، اما نهایتاً اگر به همین نحو ادامه دهند، طولی نخواهد کشید که کلیسایشان را خلوت‌تر از سابق خواهند دید! از سویی نمی‌توان حرف مردم و خواسته‌شان را نادیده گرفت و بی‌توجه به آنان، هر چه خواست کرد، و از سوی دیگر هم نباید اسیر آنان شد و هر چه را خواستند برآورده کرد. راه میانه‌ای باید باشد.

## نشانه‌های بیماری

هر چند با مردم کنار آمدن و اعضای کلیسا را احترام کردن جزو وظایف شبانان است، و در کلام خدا هم بر آن تأکید شده (غلاطیان ۶: ۱۰ و اول تسالونیکیان ۵: ۱۵)، «اسیر حرف مردم شدن» را نوعی بیماری به شمار می‌آوریم که گریبانگیر اغلب شبانان کلیساها می‌شود. به نشانه‌های این بیماری توجه کنید، مبادا در شما هم یافت شوند:

● همه هم و غم شما این می‌شود که مردم را راضی کنید، غافل از اینکه در وهله اول خادم خدا هستید و او را باید از خود خشنود

شبانی کلیسا، اگر آن را شغل یا حرفه در نظر بگیریم، از مشاغلی است که بسیار با مردم سر و کار دارد. در واقع شبان کلیسا نه فقط یکشنبه‌ها و در جلسات متعدد کلیسایی در طول هفته، بلکه هر روز در امور اداری کلیسا، در ملاقات‌های خانگی با اعضا و در موارد مختلف موظف به مواجهه با مردم است. البته در این مورد، کلیسا از این جنبه با سایر مراکز اداری و خدماتی تفاوت دارد که در کلیسا ظاهراً باید به هر قیمت که شده کاری برای مراجعان کرد و راضی‌شان نگاه داشت. در کلیسا نمی‌توان به کسی گفت، «برو فردا بیا»، نمی‌توان از مدارک کسی ایراد گرفت که مثلاً فاقد فلان فتوکپی است و باید به جای دیگری رجوع کند!

کار کلیسا روحانی است و همه توقع دارند که در کلیسا به خواسته‌شان برسند. همه می‌خواهند که شبان کلیسا برای مشکلات زندگی‌شان چاره‌ای بیندیشد، در مورد تصمیمات مهم هدایتی از سوی خدا برایشان بیاورد، علت دعا‌های مستجاب نشده‌شان را حتماً بداند، عضوی را که به عللی از او دلگیرند از کلیسا اخراج کند، و ...

در این میان، شبان هم محذوراتی دارد و می‌خواهد در برخورد با مردم، علاوه بر آداب اداری و انسانی، مسائل ایمانی و روحانی را هم رعایت کند و نگذارد کسی پشت سر او و



## عواقب خطرناک بیماری

«اسیر حرف مردم شدن» بیماری خطرناکی است که در بلند مدت می‌تواند ثمره خدمت شما را نابود سازد. فکر می‌کنید که با این روش توانسته‌اید محبوب اعضا بشوید و دلشان را به دست بیاورید. مطمئن هستید که آینده خدمت شما در کلیسا تضمین شده است و هیچ مخالفی نخواهید داشت. اما از این نکته بسیار مهم غافل مانده‌اید که راضی نگاه داشتن تمام اعضای کلیسا «غیر ممکن است!»

بالاخره در هر مناقشه‌ای دو طرف هستند که یکی ناراضی از نزد قاضی بیرون می‌آید! نمی‌توانید همه را راضی نگه دارید و حتی پس از مدتی که بی‌صدقتی شما در حل ماجرا برملا شد، هر دو طرف را از دست خواهید داد.

همین اسیر حرف مردم بودن باعث شد که هارون گوساله طلایی را برای قوم اسرائیل بسازد و در انحراف آنان شریک شود.

هشدار کلام خدا برای ما این است که اگر رضامندی مردم را بخواهیم، دیگر غلام مسیح نمی‌توانیم باشیم (غلاطیان ۱: ۱۰). یعقوب این نکته را تندتر بیان می‌کند: «آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خداست؟» (۴: ۴).

## راه درمان

با مردم ملایم بودن خوب است و حتی الامکان خدمت کردن به آنها، لازم، اما توجه داشته باشید که خدمتتان «مردم‌محور» نشود. محور زندگی و خدمت روحانی شما باید خدا و کلام تزلزل‌ناپذیر او باشد، نه خواست دائماً متغییر مردم.

● اول اینکه به مسیح نگاه کنید که چگونه

با همه توان خود در خدمت خلق بود، اما در عین حال با هیچ معیار انسانی و یا خواسته غلطی سازش نمی‌کرد. این گونه بود که مسیح می‌توانست خشنودی پدر آسمانی را کسب کند، هر چند در بعضی موارد، مردم را از اطراف خود پراکنده می‌ساخت (متی ۳: ۱۷ و ۱۲: ۱-۲۱ در مقایسه با یوحنا ۶: ۶۰-۷۱). در واقع پیلطس به خاطر خشنودی مردم، مسیح را سپرد تا مصلوب شود (مرقس ۱۵: ۱۵).

● همواره در طرف حق و حقیقت بایستید، به هر قیمتی که شده باشد. اگر کلیسایتان در اثر پیروی از معیارهای صحیح الهی خلوت باشد، بهتر از این است که با دنیا و با خواسته‌های ناپجای بعضی اعضا سازش کنید و کلیسای ظاهراً (و موقتاً) پُری داشته باشید. مطمئن باشید با چند برخورد اصولی و راسخ در همان ابتدای کار، همه اعضا خواهند فهمید که شما اهل ناراستی نیستید و کسی نمی‌تواند چنین توقعی از شما داشته باشد.

## خلاصه اینکه

به یاد داشته باشید که کلیسا بر صخره که همان مسیح است بنا شده و باید مطابق اصول کلام جاودانی خدا اداره شود. این آیات را به خاطر بسپارید که از آخرین باب آخرین رساله پولس پیش از مرگ، و در واقع از آخرین وصایای او به تیموتاؤس و به همه خادمان خدا نقل شده: «تو را در حضور خدا و مسیح که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد، قسم می‌دهم و به ظهور ملکوت او، که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی، با کمال تحمل و تعلیم. زیرا ایامی می‌آید که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد بلکه بر حسب شهوات خود خارش گوشها داشته معلمان را بر خود فراهم خواهند آورد. و گوشهای خود را از راستی برگردانیده، بسوی افسانه‌ها خواهند گرایید. لیکن تو در همه چیز هشیار بوده، متحمل زحمات باش و عمل مبشر را بجا آور و خدمت خود را به کمال رسان» (دوم تیموتاؤس ۴: ۱-۵).

● به کلام خدا رجوع کنید و معیارهای خدمت را از آنجا استخراج کنید. طوری باشید و عمل کنید که خدا می‌خواهد، نه انسان. در این مورد، رسالات شبانی (اول و دوم تیموتاؤس و تیطس) بهترین راهکارها را در اختیار خادم خدا می‌گذارند تا چگونه با مردم و با اعضای کلیسا رفتار کند.

● برای اینکه به نوعی خودآزمایی هم کرده باشید، گه‌گاه درباره موضوعاتی که برای اعضا چندان خوشایند نیست، موعظه کنید؛ درباره گناهان ما و ضرورت توبه، مناقشات کلیسایی و درگیریهای بی‌جگانه اعضا، تنبیه الهی و عذاب ابدی. آنگاه به برخورد مردم و در واقع به عکس‌العمل خودتان در قبال آن برخورد دقت کنید. ببینید تا چه حد اعضای کلیسایتان «خارش گوشها» دارند (دوم تیموتاؤس ۳: ۴)، و تا چه حد شما دارید کلام راستین خدا را، حتی اگر تلخ باشد، برایشان موعظه می‌کنید؛ و یا در واقع دارید به‌عنوان یک «خارنده گوشها» صرفاً آنان را راضی و خوشحال نگاه می‌دارید!

● از توان خود به‌عنوان شبان کلیسا بهره ببرید. هر جا که احتیاجی به توبیخ هست، با کمال اقتدار و در شأن مقام شبانی خود از این حق استفاده کنید. این حقی است که در کلام خدا، پولس از آن بهره جسته و به کار بردن آن

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو (تیطس ۱:۲)

## مسیح:

# یک شخص با دو طبیعت

مقاله پنجم: شناخت شخصیت مسیح

نوشته آرمان رشدی

انسان بدهد. از این رو، عیسی می‌بایست هم بطور کامل خدا باشد و هم بطور کامل انسان. این قبیل سؤالات از قرن دوم فکر پدران کلیسا را به خود مشغول ساخت و نظرات مختلفی ارائه شد که به تدریج موجب بروز مناقشاتی گردید.

مناقشات و اختلاف نظرها بر سر مسائل مسیح‌شناسی سرانجام منجر به تشکیل شورایی در سال ۴۵۱ در شهر کالسدون (در نزدیکی شهر استانبول) گردید. در این شورا اعتقادنامه‌ای به تصویب رسید که از آن پس تبدیل گشت به یک اصل اعتقادی فراگیر، یعنی اصلی که می‌بایست مورد قبول همه مسیحیان باشد.

در اینجا نخست به نقل این اعتقادنامه می‌پردازیم، سپس به تشریح آن مبادرت خواهیم ورزید.

### اعتقادنامه کالسدون

«بنابراین، ما نیز همصدا با پدران مقدس به اتفاق اعلام می‌داریم که باید اعتراف کنیم

این ترتیب، عیسی مسیح، کلمه جسم شده خدا، هم کاملاً خدا بود و هم کاملاً انسان.

### بحث بر سر اتحاد دو طبیعت

حال سؤالاتی مطرح می‌شود: آیا این حقایق به این معناست که عیسی مسیح دارای دو شخصیت بود، یکی انسانی و دیگری الهی؟ آیا جسم مسیح جسمی واقعی بود؟ آیا کلمه خدا در انسانی به نام عیسی ناصری ساکن شد، یا صرفاً جسمی اختیار کرده که فاقد شخصیت و روح و اراده بود؟ آیا در عیسی مسیح، کلمه خدا رنج می‌دید یا فقط طبیعت انسانی او؟ وقتی عیسی بر روی صلیب مرد، آیا منظور این است که کلمه خدا مرد یا فقط جنبه انسانی او؟ اهمیت این سؤالات در جنبه نظری و الهیاتی‌شان نبود، بلکه از نظر نجات‌شناسی بسیار اهمیت داشت. از یک سو، اگر عیسی مسیح کاملاً خدا نبود، نمی‌توانست کفاره مناسبی برای گناهان باشد، چون هیچ انسانی نمی‌تواند گناه را کفاره کند. از سوی دیگر، اگر کاملاً انسان نبود، باز نمی‌توانست کفاره‌ای مناسب باشد، چراکه کفاره انسان را باید یک

«هر روحی که به عیسی مسیح مجسم شده اقرار نماید از خداست و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست» (۱ یوحنا ۴:۲ و ۳). یوحنا رسول در اینجا در باره «اصول اعتقادات مسیحی» سخن می‌گوید. برای او عمل و رفتار مسیحی به اندازه اعتقادات مسیحی مهم بود.

اصول اعتقادات مسیحیت بر محور «شخص مسیح» می‌چرخد. بنابراین، بسیار ضروری است که خادمین و شبانان و معلمین کلیسا با اعتقاداتی که مربوط به شخص مسیح می‌شود دقیقاً آشنایی داشته باشند و آن را به درستی تعلیم دهند.

از میان اصول اعتقادات یا آموزه‌های مربوط به مسیح، بحثی هست که بسیار حساس و ظریف می‌باشد و آگاهی دقیق از آن بسیار حیاتی است، چراکه به سؤالات بسیاری پاسخ می‌دهد. این بحث مربوط می‌شود به ارتباط دو طبیعت مسیح با یکدیگر، یعنی ارتباط طبیعت الهی و طبیعت انسانی او با یکدیگر.

می‌دانیم که کلمه خدا از ازل بود و خود خدا بود؛ و می‌دانیم که کلمه جسم گردید؛ به





به این که خداوندمان عیسی مسیح یکی و همان پسر خداست، کامل در الوهیت و کامل در انسانیت، خدای حقیقی و انسان حقیقی و به لحاظ دارا بودن روح و بدهی عقلانی با خدا انسان یکسان است، در الوهیت با پدر و در انسانیت با انسان هم طبیعت است و [طبیعت انسانی او] جز در گناه شبیه ما آدمیان است. به لحاظ الوهیت، پیش از بنیاد عالم از پدر صادر گردیده و به لحاظ طبیعت انسانی به سبب ما و به خاطر نجات ما از مریم باکره - مادر خدا (Theotokos) - متولد شد. همزمان، مسیح، پسر خداوند و یگانه مولود است و در قالب دو طبیعت که با هم اختلاط ندارند و تغییرناپذیر و تفکیک‌ناپذیرند مکشوف گشت. صفات و ویژگیهای هر یک از دو طبیعت او به هیچ وجه به سبب اتحادشان مخدوش نمی‌شود، بلکه صفات و ویژگیهای هر طبیعت در قالب یک صورت (prosopon) و یک اقسام (hypostosis) حفظ و برقرار است. او به دو صورت وجود ندارد بلکه همواره پسر واحد است، یگانه مولود و کلمه الهی خداوندمان عیسی مسیح می‌باشد آن گونه که در تعالیم انبیای قدیم، سخنان خود عیسی در باره خود و نیز اعتقادنامه پدران که به ما رسید، آمده است.»

### نتایج عملی اعتقادنامه کالسدون

طبق این اعتقادنامه، نتایج زیر گرفته می‌شود:

- عیسی مسیح دارای دو طبیعت بود، طبیعت الهی و طبیعت انسانی.
- این دو طبیعت، یک شخص واحد یعنی عیسی مسیح را تشکیل می‌دهند.

- هر یک از این دو طبیعت، خصوصیات خاص خود را حفظ می‌کند؛ این خصوصیات با یکدیگر ترکیب نگشته، مخدوش نیز نمی‌شود. خصوصیات طبیعت انسانی خصوصیات طبیعت الهی را خدشه‌دار نمی‌سازد و بالعکس.
- اما خصوصیات هر دو طبیعت به شخص عیسی مسیح اطلاق می‌گردد، یعنی اینکه عیسی مسیح، این شخص واحد با دو طبیعت، از خصوصیات هر دو طبیعت برخوردار بود.
- نمی‌توان گفت که الوهیت مالک انسانیت گردید، چرا که در اینصورت انسانیت کامل مسیح انکار می‌شود.

- نمی‌توان گفت که الوهیت صرفاً در انسانیت ساکن شد، چرا که در اینصورت، مانند این است که بگوییم مسیح فقط از نظر میزان سکونت الهی در وجود خود، با دیگر انسانها تفاوت داشت.
- گرچه خصوصیات یک طبیعت به طبیعت دیگر نسبت داده نمی‌شود، اما خصوصیات هر دو طبیعت به شخص عیسی مسیح نسبت داده می‌شود.

### چند نمونه

- برای مثال، طبیعت الهی مسیح خسته و گرسنه و تشنه نمی‌شود، اما از آنجا که طبیعت انسانی او در معرض این ضعف‌ها قرار دارد، می‌گوییم که «مسیح» خسته و تشنه و گرسنه گردید. یا هنگامی که عیسی بر روی صلیب فریاد زد: «الهی، الهی، چرا مرا ترک کردی؟» (متی ۲۷:۴۶)، او از نقطه نظر طبیعت انسانی خود سخن می‌گفت اما ضمیر «من» (مرا) به تمامیت شخص او اشاره می‌کند.
- وقتی گفته می‌شود که «عیسی در

حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد»، منظور ترقی و رشد طبیعت انسانی اوست، نه و طبیعت الهی او؛ اما در مجموع «عیسی مسیح» رشد و ترقی می‌کرد.

- در یک مورد عیسی فرمود که از زمان روزهای آخر جز پدر کسی آگاهی ندارد، حتی او نیز. در اینجا فقط طبیعت انسانی عیسی فاقد علم مطلق است، نه طبیعت الهی او؛ اما عیسی چون در جسم بود، می‌توانست این عدم آگاهی را به کل شخصیت خود نسبت دهد.

- در مواردی که عیسی مسیح پرستش می‌شود، گرچه این پرستش متوجه طبیعت الهی اوست، اما باینحال کل شخصیت او مورد پرستش قرار می‌گیرد.

- قربانی کفاره کننده مسیح عملی بود مربوط به کل شخص او، یعنی به هر دو طبیعت. او در مقام انسان می‌توانست بمیرد، اما فقط در مقام خدا مرگش می‌توانست ارزش کافی برای کفاره کردن گناهان تمام بشر را باشد. بدینسان، خون بشری مسیح ارزشی ابدی و لایتناهی دارد زیرا به عنوان خون شخصی ریخته شد که خدا-انسان بود.

- مقام کاهنی و پادشاهی مسیح مربوط به هر دو طبیعت او می‌گردد.

- پس از صعود مسیح به آسمان، نه فقط طبیعت الهی او به جایگاه پر جلال و ابدی خود بازگشت، بلکه طبیعت انسانی او نیز جلال یافت. اکنون او در مقام خدا-انسان بر دست راست خدا نشسته است.

امیدواریم این توضیحات مختصر موجب گردد که خادمین گرامی بیشتر به این مسأله بذل توجه کنند و به مطالعه بیشتر نیز پردازند.

# میراث کلیسایی ما

## بخش دوم: کلیسای کاتولیک

### نوشته کشیش نینوس مقدس نیا

و بعدها در بغداد بر کرسی نشستند. اما کاتولیکهای کنونی ایران را باید ماحصل فعالیت‌های بشارتی مبشران این کلیسا در قرن نوزدهم و در اورمییه و سلماس محسوب نمود. «اوژن بوره» (Eugene Boré)، فرانسوی متولد الجزایر، اولین مبشر جوانی بود که در ۱۸۳۷ از فرانسه به ایران اعزام گردید. وی ابتدا موفق شد در اصفهان مدرسه‌ای برای ارامنه ساکن آن شهر تأسیس کند. سپس به تبریز و به سلماس رفت و با ایجاد روابط حسنه با مقامات و شاهزادگان قاجار موفق شد مدارس هم در آن نواحی دایر کند. اقدامات او در اورمییه با مخالفت‌هایی از سوی مبشران پروتستان مواجه شد که



۱- این رسم تا سال ۱۹۷۶ پا بر جا بود. در آن سال با درگذشت «مار ایشی شمعون» آخرین پاتریارک از خاندان مار شمعون، روال کار انتخاب پاتریارک به حالت قبلی برگشت و در مجمع اسقفان کلیسای شرق آشوری، عالیجناب «مار دنخای چهارم» که در آن زمان اسقف ایران بودند، به عنوان پاتریارک اعظم کلیسای شرق برگزیده شدند.

۲- در آن زمان و با فعالیت مبشران کاتولیک در خاورمیانه و هندوستان، بخشهایی از کلیساهای بومی از پیکره اصلی جدا شده، به کلیسای کاتولیک روم می‌پیوستند که در اصطلاح، «کلیساهای متحده» یا Uniate نامیده می‌شوند؛ مانند همین کلیسای کلدانی در عراق و ایران، کلیسای مارونی در لبنان، کلیسای کاتولیک سریانی در عراق و هندوستان و غیره.

برای فعالیت‌های خود سعی داشتند. مهم‌ترین واقعه که جای پای کلیسای کاتولیک را در خاورمیانه مستحکم ساخت، شقاق در کلیسای شرق بر سر مسأله انتخاب پاتریارک و در نتیجه تأسیس کلیسای کلدانی بود. پس از حملات مغول و قتل عام مسیحیان توسط تیمور لنگ، کلیسای شرق به ناحیه کوچکی در شمال عراق کنونی، کوههای کردستان و جنوب شرقی ترکیه کنونی، و شمال غرب ایران محدود شده بود. به علت عدم امنیت راهها و رفت آمد، از سال ۱۴۸۰ این رسم در کلیسای شرق برقرار شده بود که انتخاب پاتریارک به صورت موروثی باشد، چرا که با توجه به شرایط نابسامان منطقه، گردهمایی اسقفان پس از درگذشت هر پاتریارک و انتخاب پاتریارک جدید از میان خود، غیرممکن به نظر می‌رسید. نحوه کار به این ترتیب بود که پسر برادر هر پاتریارک، در واقع از زمان انعقاد نطفه‌اش در رحم مادر، نذیره محسوب می‌شد، به طوری که حتی مادرش از خوردن گوشت برحذر بود. و طفل پس از تولد نیز برای کسب مقام پاتریارکی در آینده آموزش می‌دید (۱).

بالاخره در سال ۱۵۵۱ م، سه اسقف و جمعی از پیروان کلیسای شرق، در اعتراض به رسم انتخاب موروثی، در دیر «رابان هرمزد» (هرمز راهب) جمع شدند و رئیس دیر «یوحنا سولاقا» را به پاتریارکی برگزیدند. وی ابتدا به اورشلیم و سپس به روم رفت و ضمن اعلام همبستگی خود با کلیسای کاتولیک روم، از پاپ نشان پاتریارک متحد با روم را دریافت کرد (۲). پس از بازگشت، چند سالی که گذشت، وی با توطئه‌ای کشته شد و جانشینانش هم مدت کمی کاتولیک ماندند. اما چند سلسله از پاتریارک‌هایی که دیگر کلدانی نامیده می‌شدند، با فراز و نشیب‌های بسیار در دیاربکر و موصل

از شماره گذشته، در این مجموعه‌ای از مقالات، به بررسی تاریخچه و فعالیت کلیساهایی پرداختیم که در صحنه مسیحیت امروز ایران نیز نقش دارند. در شماره پیشین، کلیسای شرق آشور و تاریخ پرشکوه آن را در ایران مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره، به بحث در باره تاریخچه و فعالیت‌های کلیسای کاتولیک در ایران می‌پردازیم.

## معرفی

کلیسای کاتولیک که اکنون با بیش از یک میلیارد عضو، بزرگترین واحد مذهبی در جهان به شمار می‌آید، در واقع کلیسای مادری است که منشأ خود را همان کلیسای رسولان می‌داند و سایر فرقه‌های مسیحی به مرور زمان و در اثر وقایع تاریخی و نهضت‌های روحانی از آن منشعب شده‌اند.

کلیساهای کاتولیک ایران را باید در سه شاخه کاتولیک آشوری-کلدانی، کاتولیک ارمنی و کاتولیک لاتین مورد مطالعه قرار دهیم. هر یک از این سه شاخه، تاریخچه خاص خود را دارد که برای پرداختن به آن به‌طور مفصل، محل و مجال کافی نیست. با این حال اشاره مختصری به آن می‌شود.

## تاریخچه

در قرن شانزدهم، اروپاییان با اعزام سفیرانی (همچون برادران شرلی) به دربار شاه عباس صفوی، در صدد بودند تا ایران را متحد خود ساخته، جبهه‌ای در آسیا علیه عثمانی‌ها بگشایند و از حملات آنان به اروپا بکاهدند. همراه با این رفت و آمدها، بسیاری کشیشان و راهبان هم غالباً با اهداف تبشیری و بعضاً از راه خلیج فارس به اصفهان می‌آمدند و در جلب حمایت شاه ایران



پیش از کاتولیکها بین آشوریان آذربایجان غربی فعالیت خود را آغاز کرده بودند.

فعالیت‌های «بوره» به اعزام مبشران لازاریست و خواهران تارک دنیا به ایران در سال ۱۸۴۰ انجامید. لازاریست‌ها مرکز میسیون را در سلماس دایر نمودند و به ساخت کلیسا و ایجاد مدارس و فعالیت‌های وسیع کلیسایی در آن ناحیه و در اورمیه و روستاهای اطرافش پرداختند. خواهران روحانی تارک دنیا هم از همان بدو ورود به خاک ایران، اقدامات خیر خواهانه خود را در تعلیم و تربیت کودکان و مداوای بیماران آغاز نمودند. کارشان چنان مورد استقبال مردم قرار گرفت و وسعت یافت که به فرمان ناصرالدین شاه، سالانه ۲۰۰ تومان مقرری جهت آنان تعیین گردید.

اقدامات کلیسای کاتولیک به تأسیس سه خلیفه‌گری کاتولیک آشوری-کلدانی در ایران منتج شد؛ در عین حالی که ارامنه کاتولیک و کلیسای کاتولیک لاتین هم با همان زمینه تاریخی مختصری که از فعالیت مبشران کاتولیک بین ارامنه اصفهان و آمد و رفت کشیشان کاتولیک به دربار صفوی ذکر شد، هر یک جداگانه خلیفه‌گری خود را پدید آوردند. بدین ترتیب، شعبات این کلیساها از اورمیه و سلماس تا مشهد و از تهران تا خوزستان، در اکثر نقاط ایران فعال بود.

## خدمات

مبشران کاتولیک هم مانند سایر مبشران کلیساهای مختلف، همراه با کار بشارتی خود به فعالیت‌های فرهنگی و خدمات بهداشتی هم توجه داشتند.

لازاریستهای اورمیه موفق شدند چاپخانه خود را در سال ۱۸۷۴ تأسیس کنند. دومینکناها از سال ۱۷۵۰ چاپخانه خود را در شهر موصل داشتند، اما چاپخانه لازاریستهای اورمیه در واقع دومین چاپخانه کلیسایی در ایران، پس از چاپخانه کلیسای پروتستان، بود. مدیریت این چاپخانه ابتدا با کشیش سولومون بود که بعد از درگذشت وی، دانشمند شهیر آشوری «اسقف توما اودو»

زحمات و خدمات بی‌شائبه خواهران روحانی در این خانه‌های سالمندان زبازد خاص و عالم است.

مرکز تعلیم و تربیت کودکان استثنایی وابسته به کلیسای کاتولیک از دیگر خدماتی است که این کلیسا بر عهده گرفته است. کلاً کلیسای کاتولیک ایران نیز همانند سایر کلیساهای کاتولیک در سراسر جهان، توجه خاصی به امور خیریه و فعالیت‌های انساندوستانه دارد.

در حال حاضر این کلیسا دارای دو اسقف در تهران و اورمیه، دو کشیش در تهران یک کشیش در اورمیه و یک کشیش در همدان و کرمانشاه است. کشیشان این کلیسا در کلیساهای اهواز و قزوین هم به‌طور مرتب مراسم کلیسایی برگزار می‌کنند، اما خلیفه‌گری اهواز که در واقع همان کرسی اسقف‌نشین باستانی کلیسای شرق در خوزستان به شمار می‌آید، همچنان فاقد اسقف مختص خود می‌باشد. مجتمع‌های اردویی و تفریحی «دون بُسکو» و «هایکاشن» در شمال و در کرانه‌های دریای خزر از دیگر مراکز فعال این کلیسا هستند.

از اقدامات شایسته اسقفان کاتولیک ایران، اعم از آشوری-کلدانی، ارمنی و لاتین، برگزاری دعای اتحاد بین‌الکلیسایی است که با ترجمه تهیه شده توسط شورای جهانی کلیساها و کمیته بین‌الکلیسایی واتیکان برگزار می‌شود. سالهاست که کلیسای کاتولیک از همه کلیساهای ایران اعم از کاتولیک و ارتودکس و پروتستان، و نیز از تمام مسیحیان آشوری و ارمنی و فارسی زبان دعوت می‌کند تا در این دعای اتحاد که معمولاً موعظش پیش از عید پنطیکاست است، شرکت کنند و با خداوند و سر کلیسا، عیسی مسیح در دعا همصدا شوند که: «تا همه یک گردند» (یوحنا ۱۷:۲۱).

چندی پیش پاتریارک کلیسای کاتولیک کلدانی، عالیجناب «مار رفائیل بیداوید» که مدبری توانا برای این کلیسا بود، در بیروت درگذشت و هنوز پاتریارک جدید انتخاب نشده است. مرحوم «مار رفائیل» شخصی فرهیخته و روحانی بود که توجه بسیاری به اتحاد بین‌الکلیسایی و بخصوصی نزدیکی دو کلیسای شرق و کلدانی داشت.

سرپرستی آن را به عهده گرفت. علاوه بر این، با فعالیت بعضی از کشیشان کاتولیک ایرانی، چندین جلد کتاب آشوری برای استفاده کاتولیکهای ایران در چاپخانه «دروگلین» واقع در شهر لایپزیک آلمان به چاپ رسید. مهم‌ترین خدمتی که نام خواهران روحانی کاتولیک را در ایران همواره محترم و مقدس نگاه داشته، مراکز درمان و مراقبت از جذامیان است که در مشهد و تبریز اکنون نیز همچنان فعالیت دارند.

## اوضاع کنونی

کلیسای کاتولیک، علیرغم مشکلات پیش آمده در سالهای اخیر که باعث شد بخش مهمی از کشیشان و خادمان غیر بومی خود را از دست بدهد، همچنان به فعالیت وسیع خود در ایران به چند زبان آشوری، ارمنی، انگلیسی، فارسی و لاتین ادامه می‌دهد.

«کانون یوحنا رسول» از بر جسته‌ترین مراکز مسیحی در ایران به شمار می‌آید که اکنون با حدود سه دهه فعالیت آموزشی و انتشاراتی، جایگاه خاصی در میان مسیحیان یافته است. مدیریت دقیق و مجدانه «کشیش پی‌یر هامبلو» باعث شده تا گروهی صمیمی و فعال از کلیساهای مختلف در این کانون گرد هم آیند و صدها جلد کتاب نفیس و ارزشمند به فارسی، حاصل کار سختکوشانه آنان در سالهای اخیر باشد. کتب منتشره کانون یوحنا رسول، نه فقط به تعلیم خاص مسیحیت و کلیسای کاتولیک اختصاص دارند، بلکه در زمینه تعلیم مختلف و سطوح متفاوت تعلیمی و گروه‌های سنی گوناگون هم هستند. به خصوص در سالهای اخیر بیش از ده جلد کتاب در مورد کلیسای شرق و افکار و نوشته‌های آباء کلیسای سُرانی به چاپ رسیده که در نوع خود و به زبان فارسی بی‌نظیراند و گوشه‌های تاریکی از تاریخ و تعلیم کلیسای باستانی ایران را روشن می‌سازند.

خانه‌های سالمندان کلیسای کاتولیک در اورمیه و تهران، بسیاری از پیران کلیساهای مختلف را در خود جا داده و با محبت مسیحی از آنان مراقبت می‌کنند.

# طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت استیوارت

## دلی از آن خدا

مزمور ۱۳۸

● دلی پر (عبرانیان ۱۲:۱۴-۱۵)

● دل فریبکار (متی ۶:۱۹-۲۱)

### چه چیزی دل ما را از آن خدا می‌سازد؟ (مزمور ۱۳۸)

● دریافت پاسخ دعاها (آیه ۳) (مزمور ۶۶:۱۶-۲۰)

● شنیدن صدای خدا (آیه ۴) (یوحنا ۱۰:۱۶)

● نزدیک شدن به خدا با فروتنی (آیه ۶) (یعقوب ۴:۷-۱۰)

● مشاهده این که خدا ما را رهایی می‌دهد (آیه ۷) (خروج ۱۴:۱-۲)

● مشاهده این که خدا هدف خود را در زندگی ما تحقق می‌بخشد (آیه ۸) (افسیان ۲:۱۰)

۱- مقدمه: پیروی از مسیح، امری است قلبی

داود از خدا خواست که دلش را تفتیش کند و سلیمان توصیه کرد که دل خود را حفظ کنیم. عیسی تعلیم داد که چکیده تمام شریعت این است که خداوند را با تمامی دل خود دوست بداریم. داود در مزمور ۱۳۸:۱ می‌فرماید: «تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت.» آیا دل شما از آن خداست؟

### ۲- وضعیت واقعی دل خود را تشخیص دهید

● دل سخت (متی ۱۳:۱۴-۱۵)

● دو دلی (یعقوب ۱:۶-۸)

## آگهی

### ● خلاصه آموزه‌های مسیحی

کتاب «خلاصه آموزه‌های مسیحی» نوشته دانشمند برجسته الهیات، «لوئیس برکوف» به‌همت مؤسسه «تعلیم» ترجمه و منتشر شده است. این کتاب به بررسی تعالیم اساسی مسیحیت، نظیر اعتقادات مسیحیان در مورد کتاب مقدس، خدا، الهام، گناه، نجات، کفار، عادل‌شمردگی، فرزندخواندگی، تقدیس، کلیسا، آیینهای کلیسایی، و آخرت‌شناسی می‌پردازد. برای دریافت آن با دفتر مجله تماس حاصل فرمایید. بهای هر جلد ۵ دلار آمریکا می‌باشد.

### ● سرودهای جدید

کاست و سی‌دی «نیایش ۳» همراه با سرودنامه و نُت‌نامه آن هم‌اکنون در دسترس است. برای تهیه آنها و یا کسب اطلاعات بیشتر، لطفاً با کلیسای فارسی‌زبان «محبت» در دانمارک تماس حاصل فرمایید:

Church of Love

Ostergade 57-59

5000 Odense C

Denmark

Tel: +45 40 53 25 23

e-mail: info@mohabat.net

